

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اکبر دهقانی ناژوانی

۰۸ مارچ ۲۰۲۵

۸ مارچ روز جهانی زن به زنان و مردان مبارک باد!

طبق قانون فزیک حاکم بر کره زمین و موجودات زنده از جمله انسان، زن و مرد در سنین مختلف در رابطه با هم و در رابطه با اجتماع و محیط زیست رشد دارند. کلاً کنشها و واکنشهای افراد در رابطه با هم رشد همگرایی و واگرایی دارند، پس بنابراین اولاً تمام افراد در جامعه توانایی ها، یادگیریها، سلیقه ها، عادت‌های ذهنی و روحی مختلفی دارند که در گفتار، رفتار و عملکرد آنها جاری است. دوم تمام افراد زن و مرد، دختر و پسر با هم و یا جدا جدا سعی می کنند که پاسخی درخور برای رشد ذهنی، روحی، عقلی، احساسی و جسم خود در خانواده و در جامعه پیدا کنند. آنها خانواده و طبقات مختلف اجتماعی را نسل به نسل به وجود آورده و رشد می دهند.

چرا تا این حد تنوع همراه با فراز و نشیب زیاد؟

چون اولاً تأثیرات قانون فزیک بر روی عناصر و عناصر ترکیبی و بر روی موجودات زنده از جمله انسان با هم فرق دارند. دوم زنان و مردان در رابطه با هم و در رابطه با اجتماع و محیط زیست رشد و روی چگونگی رشد هم تأثیرات مختلفی می گذارند. سوم تمام زنها متناسب با هم رشد یکسان ندارند و تمام مردان هم به همین ترتیب. چهارم زنان در سنین مختلف و با گرایش های مختلف روی زنان دیگر تأثیرات مختلفی می گذارند. مردان هم تأثیر یک نواخت روی هم نمی گذارند. پنجم تأثیر همه زنان روی جامعه، خانواده و بچه ها یکسان نیست و تأثیر مردان هم همینطور. ششم بین عقل زن و عقل مرد اختلاف و همچنین بین احساس زن و احساس مرد هم اختلاف وجود دارد. هفتم بین عقل و احساس هم اختلاف زیادی هست. فرق نمی کند که زنانه باشند و یا مردانه. هشتم نقش اجتماع و محیط زیست هم یک نواخت نیست و بستگی به این دارد که ما چه تأثیری روی این محیط ها و چه تأثیری این محیط ها روی ما بگذارند. نهم نسل به نسل تنوع رشد وجود دارد و همه چیز از نو تا حدودی عوض می شوند.

چه باید کرد تا همگرایی های بیجا و تضادهای بیجا کمتر شوند؟

(۱) در هر زمینه باید آموزش دید و از علم درست و بجا کمک گرفت. (۲) بخشی از تأثیرات زنان و مردان روی هم و روی جامعه درست یا غلط غریزی و از عادت‌ها و گرایشها سرچشمه می گیرند. بخشی دیگر از کارهای مشترک زن و مرد همراه با یادگیری ها هستند. (۳) اما بعضی کارها، مثل ساختمانی و معدن اکثراً کار مردانه هستند و زنان کمتر در

آن دخیل هستند. اما زنان و مردان کارهای مشترک زیادی با هم دارند. (۴) باید در نظر گرفت که رشد سنی خواهر و برادر یا دو تا خواهر، یا دو تا برادر غیر هم سن یکی نیست، حتی اگر هم دوقلو باشند رشد کاملاً یکسانی ندارند و از پدر و مادر و اعضای خانواده تأثیرات یکسانی نمی گیرند و تأثیرات یکسانی هم روی خانواده نمی گذارند چه برسد به کل جامعه. (۵) باید از عادت‌ها، آداب و رسوم و از ایدئولوژی‌های افراطی، به خصوص مذهب افراطی بیشتر فاصله گرفت تا ذهن، روح، عقل، احساس و جسم زن و مرد سالم تر شوند. (۶) مرد و زن هر کدام به تنهایی از نظر روحی، ذهنی، عقلی، احساسی و جسمی نواقصی دارند. این نواقص اگر به طور نسبی درست اصلاح نشوند هم در مرد و هم در زن و هم در خانواده، اجتماع و محیط زیست خرابی به بار می آورند. این نواقص فردی مرد و زن در اجتماع میلیونی فراز و نشیب‌های زیادی به بار می آورند، به خصوص اگر چند سده و چند دهه این خرابی‌های مردان و زنان در اجتماع روی هم انباشته شده باشند با بیماری‌های ذهنی، روحی و جسمی همراه می شوند. این نواقص مردان و زنان ایدئولوژی‌های افراطی، به خصوص مذهبی افراطی را تقویت می کنند تا این ایدئولوژی‌ها با دست‌های پشت پرده جامعه را به رکود، انزوا، فقر، جنگ خانوادگی و جنگ داخلی بکشانند. (۸) باید دانست که در برخورد با واقعیات فردی، جمعی، اجتماعی و محیط زیست یک جایی حق با عقل زنانه و در جای دیگر حق با عقل مردانه و در مواقعی دیگر عقل مرد و زن باید برای انجام کاری به توافق و توازن نسبی برسند. همینطور است برای احساس زنانه و احساس مردانه. اما مواقعی در برخورد با واقعیات باید عقل و احساس مرد و زن با هم پا در میانی کنند. زن و مرد در رابطه با هم باید اندازه به کارگیری عقل و احساس خودشان را بدانند.

(۹) پس بنابراین برادر و خواهر باید رابطه سالم خود را داشته باشند. دختر و پسر، مرد و زن که با هم برای اولین بار آشنا می شوند باید برای هم وقت کافی بگذارند تا همدیگر را از نظر ذهنی، روحی، عقلی، احساسی و جسمی بهتر شناخته و مرزهای زنانه و مردانه خودشان را بهتر بشناسند تا توقع و انتظار مرد و زن از همدیگر منطقی تر و بجا باشند. اگر چنین شد همدلی، همفکری، همکاری، کار تشکیلاتی و تقسیم کار در هر سطحی بین آنها به وجود می آید. آنها می توانند از عقل و احساس و از شناختها و تجارب شخصی خودشان در برخورد با هم، در برخورد با خانواده، اجتماع و محیط زیست بهتر استفاده کنند.

(۱۰) مثلاً در خانواده بچه‌های دختر و پسر باید رشد عقلی و احساسی متناسب با شرایط سنی خود داشته باشند. از طرفی دیگر رشد عقلی و احساسی دختر و پسر با هم فرق می کنند. بچه‌ها در درجه اول برای رشد عقلی و احساسی خود به عقل و احساس مادر و پدر بیشتر احتیاج دارند. میزان احتیاج دختر و پسر با هم فرق دارد. مادر و پدر باید در دادن کمک عقلی و احساسی خودشان به بچه‌ها تفاوت‌های ذهنی، روحی، عقلی، احساسی و جسمی دختر و پسر و تفاوت‌های سنی آنها را در نظر بگیرند. کتاب‌های کودکان محدود و بسیاری از پدر و مادرها عادت به کتاب خواندن ندارند و یا اصلاً سواد خواندن و نوشتن ندارند، در نتیجه بیشترین یادگیری پدر و مادرها در رابطه با هم و در رابطه با بچه‌ها تجربی و از روی آزمایش و خطا بوده. اما اگر پدر و مادر برای خودشان و برای بچه‌ها وقت گذاشته باشند. در چنین شرایط پدر و مادر در رابطه با هم و در رابطه با بچه‌ها خیلی چیزهای عقلی و احساسی را به طور تجربی بهتر و دقیق تر یاد گرفته و می توانند خودشان و همچنین بچه‌هایشان را متناسب با جنسیت و سن آنها از نظر ذهنی، روحی، عقلی، احساسی و جسمی رشد دهند. این یعنی استفاده از عقل و احساس همراه با کار تشکیلاتی منظم در خانواده در هر سطح و کمک می کند که استعدادهای دخترانه و پسرانه بچه‌ها به طور مجزا و در رابطه با هم رشد و در سطحهای مختلف خودشان را نشان دهند. این استعدادها بعداً در جامعه جایگاه و کاربرد خود را بیشتر پیدا و در رابطه با واقعیات و خصوصیات فردی و جمعی، اجتماعی و محیط زیست بیشتر و درست تر رشد می کنند.

توازن بین زن و مرد و تا چه حد توازن؟

۱۱) ارگانسیم مرد نواقصی دارد که ارگانسیم زن کمتر دارد. زن هم نواقصی دارد که مرد کمتر دارد. مرد و زن در برخورد با هم باید به هم کمک بکنند که تا مردانگی مردان و زنانگی زنان در خانواده و در جامعه اصولی رشد و تکمیل تر شوند (زنانگی زنان و مردانگی مردان فقط به موضوعات سکسی خلاصه نمی شوند). آنها باید هر کدام در حد خود و در رابطه با هم فعال شوند و همدیگر را بهتر بشناسند تا مرزهای توانایی آنها در برخورد فعال با هم برای آنها مشخص تر مرز بندی تر و نقطه قوت و نقطه ضعف های آنها برای هم بر ملا تر شوند. نقطه ضعفها هر دو طرف را مجبور می کند که در بسیاری از مواقع از هم کمک بگیرند برای بر طرف کردن این ضعف ها. نقطه قوت های آنها زن و مرد را در رابطه با هم از نظر ذهنی، روحی، عقلی، احساسی و جسمی تقویت می کنند. با این توازن نسبی همدیگر را بهتر شناخته و در آن واحد که مرز های زنانه و مردانه خود را حفظ می کنند با هم نیز توازن نسبی ذهنی، روحی، عقلی و احساسی بر قرار می کنند. اگر همه اینها در اندازه های مختلف درست به کار روند واقعیات خانواده، اجتماعی و محیط زیست و واقعیات درونی زن و مرد درست رشد می کنند. تمام این رشد و پیشرفت را در عادتها، گرایش ها، گفتار، رفتار و طرز فکر زن و مرد و همچنین در رشد اجتماع و محیط زیست پیدا می کنیم.

راهی که اشتباه بوده را چند قرن و چند دهه رفته ایم:

۱۲) عکس آن هم می تواند به وجود آید. اگر مردان و زنان در برخورد با هم و در برخورد با واقعیات اجتماعی و محیط زیست آنجائی که باید عقلی برخورد کنند اشتباهاً احساسی برخورد و جائی که باید احساسی برخورد کنند اشتباهاً عقلی برخورد و در جاهائی که باید از هر دو استفاده درست کنند از روی بی سوادی، فقر، مشکلات زیاد، تنبلی، بیماری های مختلف ذهنی، روحی و جسمی اندازه کاربرد درست آنها را یاد نگرفته و اشتباه به کار می برند. این یعنی برخورد های عقلی و احساسی ما با واقعیات درونی خود و با واقعیات اجتماعی و محیط زیست نادرست و تجارب و شناختها و علم ما رشد به عقب دارند. مرد و زن همدیگر را درست نمی فهمند و مرزهای زنانه و مردانه شکسته می شوند. اختلافات آنها زیاد و کار به درگیری، جدائی و یا کشت و کشتار کشیده می شود. حالت دوم اگر مرد و زن بین هم توازن بر قرار نکنند و به هر دلیل درست یا غلط نتوانند از هم جدا شوند یا زن زیر سلطه مرد می رود (مرد سالاری) و یا مرد زیر سلطه زن می رود (زن سالاری). ایدئولوژی ها، به خصوص مذهب افراطی هم همین ها را برای تفرقه انداختن و حکومت کردن می خواهند تا ایدئولوژی افراطی و مذهب سالاری خودشان را تقویت کنند. همان کاری که در آخر رژیم شاه با عقل و احساس نوجوانان و جوانان کردند. با سکس بی رویه، تبلیغات مخرب ضد غرب و ضد رژیم شاه و تبلیغات به نفع مذهب افراطی و خمینی و با محدودیت و محرومیت، زندان و شکنجه و اعدام ما را منزوی و به رکود کشاندند تا عقل سلیم و احساس سالم ما درست رشد نکرد. در انزوا، رکود، بی عقلی و بی احساسی ما را به عقب بردند و در باتلاق مذهب هزار و چهارصد ساله گرفتار و مسخ کردند، البته استفاده نکردن ما از عقل سلیم و احساس سالم ریشه چند قرنه دارد. اما اواخر رژیم شاه و به خصوص بعد از انقلاب ۵۷ ما مردم با خرافات و مسخ ایدئولوژیک، به خصوص مذهب افراطی و آخوندیسم سر و کار بیشتری پیدا کردیم که ذهن، روح، عقل، احساس و جسم ما را مثل خوره می خوردند. از یک طرف مردم باید بجنگند تا ذهن، روح، عقل، احساس و جسم خودشان را از جهل ایدئولوژی ها، به خصوص مذهبی برهانند. دوم باید با بی خردی و بی احساسی بسیاری از رژیم ها و در رأس همه با آخوندها و جهل مذهبی آنها بجنگند تا مردم سایه ننگین آنها را از سر خودشان کم کنند. سوم مردم باید با اربابان

خارجی جمهوری اسلامی و نوکران داخلی و خارجی آنها بجنگند و به آنها ثابت کنند که ما غارتگری و چپاول ننگین شما و جمهوری اسلامی را نخواهیم پذیرفت، حتی اگر بابتش جانی و مالی قربانی بدهیم .

مردم ایران امروزه در مبارزه با جمهوری اسلامی، آخوندیسم و مذهب افراطی به طور نسبی پیروز و به همه آنها پشت کرده اند. امروزه عقل سلیم و احساس سالم و علم مردم درست تر رشد کرده اند. آنها به ما می گویند که عزیزان می دانیم این جنگها خیلی سخت و تلفات جانی و مالی دارند. اما اگر در جنگهای خود با ارتجاع مذهبی، ما سه تا را درست به کار بندید می توانید دشمن واقعی خودتان، مذهب افراطی و آخوندیسم را بهتر شناخته و به آنها بیشتر پشت کنید. نمونه اش را در جنبش انقلابی مهسا دیدید که زنان و دختران دلاور در کوچه و بازار یاد گرفتند که با چه شجاعت و خود گذشتگی در برابر ارتجاع مذهبی قد علم کنند و نه فقط عقب ننشسته اند، بلکه قوی تر، آگاه تر و راسخ تر هم شده اند تا آن حدی که به مردان و به جامعه یاد دادند که باید در هر سطحی در برابر ارتجاع ایستاد. ارتجاع، به خصوص ارتجاع مذهبی تنها زبان زور را می فهمد. اما خوشبختانه در زبان شما مردم منطق، فهم و شعور حاکم و هم قدرت و زور مردمی و اجتماعی حاکم است. شما می توانید که هم توی دهن هر نوع ارتجاع، به خصوص ارتجاع مذهبی بزنید هم می توانید آگاه، مقتدر و متحد در کنار هم به راه مبارزه و پیشرفت ادامه بدهید.

دختران و زنان مبارزه با حجاب اجباری هنوز در مبارزه اند و همراه خودشان مردان را هم بسیج کرده اند. جنبش انقلابی مهسا یک حرکت خودجوش و کار تشکیلاتی عام گسترده اجتماعی در سراسر کشور بوده و هست. اگر این جنبش با عقل سلیم، احساس سالم، علم، مشورت، همکاری و یک پارچگی شما مردم بیشتر همراه باشد دشمن آخوندی و مذهب افراطی را شکست می دهید. راهی که جنبش انقلابی مهسا رفت و هنوز می رود با تمام تلفاتش درست ترین و منطقی ترین راه مردمی، اجتماعی و علمی است. چرا؟، چون تنها راهی است که همفکری، همکاری و استفاده بجا و به موقع از عقل سلیم و احساس سالم و علم درست را در برخورد با واقعیات اجتماعی و محیط زیست درست تر و گسترده تر و سراسری در سراسر کشور به کار برده و رشد می دهد. از طرفی دیگر شناختها و تجارب تلخ در آخر دوره رژیم شاه و شناختها و تجارب تلخ این ۴۶ ساله ما مردم از رژیم منفور آخوندی با تمام تلخ بودنشان در اندازه های مختلف به کمک عقل و احساس زن و مرد آمده و می آیند. از دل این تجارب و شناختهای تلخ شما مردم شورشهای ۷۸، ۸۸، ۹۶، ۹۸ و جنبش انقلابی مهسا و همچنین تشکلهای هسته ئی دو نفره و چند نفره در اندازه های مختلف بیرون آمدند که هنوز ادامه دارند .

اما امروزه دختران و پسران و زنان و مردان کاوه آهنگر کف خیابان باید جنبش انقلابی مهسا را به مشکلات بی نانی، بی آبی، بی کاری و بی خانمانی گرده بزند، چون این مشکلات معیشتی اهمیت حیاتی و مهم تر از مشکلات دیگر هستند. مردم آگاه و یک درصدی های مردمی از همین حالا با مردم گرسنه شورشی تماس گرفته و با آنها ذهنی روحی، عقلی و احساسی رابطه برقرار کنند و در باره فقر و گرسنگی با آنها صحبت و مشورت کنند تا خودآگاهی های مردم گرسنه بالا رود. شما مردم آگاه گرسنه و شما یک درصدی های مردمی گرسنه همه با هم باید حرکت شورش گرسنگی را با هم رهبری و هدایت و مانع از عوامل نفوذی در صفوف گرسنگی خودتان شوید تا پیروزی مردمی بر ارتجاع آخوندی و نوکرانش حتمی و رژیم منفور آخوندی سرنگون شود.

۱۳) امروزه به همان نسبت که انسانها نسل به نسل رشد بیشتری می کنند علم هم همراه با رشد انسان رشد بیشتری کرده و گسترده تر شده و می شود. به همین نسبت کار تشکیلاتی هسته ئی دو نفره ، سه نفره و چند نفره به ما خیلی کمک می کنند که به هم اطمینان و در هر سطح و در هر زمینه ای که می خواهیم شروع به همفکری و همکاری و از علم خودمان بیشتر و درست تر استفاده کنیم. در کار تشکیلاتی هسته ئی در سطح جامعه افراد از عقل و احساس

همدیگر کمک گرفته و با مشورت با هم و کمک گیری از علم هم یاد می گیرند که در برخورد با فلان موضوع و یا بهمان مشکل آیا باید عقلی برخورد و یا احساسی و یا ترکیبی از هر دو. هسته ها از درون رشدیابنده و همدیگر را در سطح ها و در زمینه های مختلف در جامعه رشد و در رابطه با هم گسترده می شوند. با رشد هسته ها شناختها و تجارب ما واقعی تر، علمی تر، رشدیابنده تر و دامنه رشد و شکوفائی علمی ما بیشتر می شود. آثار پویای آنها را در کوتاه و دراز مدت در صنعت، اقتصاد، فرهنگ، علوم طبیعی، علوم اجتماعی (جامعه شناسی و روانشناسی)، قانون، اجتماع و از جمله در رشد درست زن و مرد و رشد استعدادهای مختلف زنانه و مردانه در هر زمینه ای خواهیم دید .

گروه ها و احزاب سیاسی هم اگر بخواهند می توانند که در چهارچوب تشکیلاتی خودشان هسته های دو نفره و چند نفره به وجود آورند و افراد گروهی و حزبی در چهارچوب هسته های درون تشکیلاتی با هم همفکری و همکاری بکنند و از عقل، احساس و علم خود استفاده کنند تا تشکل آنها سالم سازی شود.

موفق باشید! پاینده و جاویدان ایران عزیز ما!

اکبر دهقانی نازوانی